

مؤلفین

ترکیب

روزنامه آزاد هفتگی

پنجشنبه بیست و نهم شهریور الاول ۱۳۲۲ هجری

صاحب مستیاز کار الملک میرد رسپه سایی

اول ثورین ماه فرنگی شنبه ۱۹ میلادی

قیمت یک نمره هجده جاده پشاهی

نمره سیصد و شصت و نیم

سالیانه در پهن پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روستا چهارتا در تمام هندوستان هفت و نیمه در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر و فرانسه

در دارالخلافه طهران طبیع مؤلف جریده علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت طبعی کفیران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

( بقیه تحقیق در باب ثروت ایران )

از پس افتادن کار صنایع ملکت و کسر نقصان ثروت سخن میرفت و از آن گفته معلوم شد که یکی از اسباب خرابی ملت مثل صنعت است و برای طوایف اعم و قبایل اهل عالم آفت بملاتی بدتر از بیهوشی و بکاری نیست و در زمان این در و منخرید و چیز باشد یکی راه که صعب الوصول که تاکنون احدی از خطا و دانشندان جهان آن را پسند نکرده و صحت نموده است و این راه عبارت از قطع معامله و داد و پسته با خارج است که نه چیزی با مالی سایر ممالک بفروشد و جنس و متاعی از آنها بخرند که باین تدبیر جنس داخله رواج گیرد یعنی مردم بپستمال آن مجبور شوند و این تسلیقه بعضی از مشهوریهایی است که از اوضاع عالم بخیرند و نمیدانند بواسطه عدم ارتباط با سایر قهار و نواحی که ارض چقدر دایره دارد که در ممالک و ممالک و محدوده دانه و لک از صنایع و علوم و آداب و رسوم دولتی و ملی ملل بسیار واقف و خبردار بودیم شاید پیروی آن بمرهاست و پیروی و بطنی برداشتن و کار سازی این وجودهای حاصل می نموده ایم گفته

ازین مطلب اگر وقتی برای مردم ملکتی ترک آمد و شد و داد و پسته ممالک دیگر کاری ممکن و دست برده جنسی با مر و زنده دارد و هم پس میداند که حالا دول خارج هیچ نقطه از نقاط روی زمین با بحال اعتزال و کنار گیری نمیکند از خود خلیق را قهر و اذیت در دایره معاملات خود میکنند و بزرگان قاطع این گفته ملکت چنین است که بیش از تمام طوایف از مراد و بافرنگی تماشایی و اباد داشت و مستهای سعی را ببل آورد که جلوه گیری کند و آخر آن نتوانست و چار جهته بکلین و مراد و نمید آیدیم و منصرف کردیم که کسی میخواهد حتما این کار را بگذارد راه کار این است که مثل بعضی از دول قادر مقتدر و قهر که مرگ فوق العاده بر خاس خارج بپسند و اینهم شریطی دارد و شرط اول قدرت و زور است که تمام دول بزرگ دنیا را بجا بگذارد و شرط دوم آنکه در داخله اسباب تهیه جنس را فراهم آورده باشد که اگر از خارج جنس نیاید از زندگانی موقوف نماید و دولت قادر مقتدریم اگر چنین نغرض بپند برای آن نیست که جنس خارج بمالک او داخل نشود بلکه میخواهد کارخانه های تازه دایر کرده را در کار داشته باشد و محصولات

( بقیه شرح حال و اشکات )

در نمره پیش گفتیم حدود ملکت اتا زونی و مستی عظیم یافت توضیح این مطلب را گوئیم سیزده ولایت اتا زونی اینک بچ و پنج ولایت رسیده بلکه یک حاکم میتوان گفت پنجاه ولایت است ابتدا یعنی در وقتی که اتا زونی مستقل شد عدد نفوس اتالی بشت کرد و نغرض میرسد اکنون بقریب صد و پنجاه کرد و رسیده و این اکثریت جمعیت بواسطه بسیاری بر آوردگان آن خاک نیست بلکه چون آب هوای آن اظهار خوب و معتدل و مناسب نشود نمایی مردم از دپاست بسیار زیاده از یکت کرد و فرنگی از اوطان خود چشم پوشیده بآن ولایات هاجرت میکنند و با وجود مهاجرین و فرایش که سابق بنوع نفوس ملکت نسبت بوضع خاک آن زیاد شده بلکه بدرتناوب رسیده زیرا که دست ممالک و ولایات اتا زونی تقریباً بتمام اردو و پنجستان چ برابر و نیم ایران است و تقسیم اردو بپانصد



آن که مستوفی و قوام مصنوعات کارخانه های مالک پیش قدم  
نرسیده بواسطه جنس خارج زمین نخورد و سر نخند تا بعد از وقت  
گیرد پس معلوم شد که اگر اعیان قومی هم با خارج قطع معامله کنند باز باید  
در صد و تری صنایع خود باشند اینک آن را مرز و مکمل گذارد  
آماره مکن الوصول که آدمی را بر چشمت ثروت میرساند و عقلا آزادی می بیند  
این است که مردم در فکر ترقی دادن صنایع خود باشند و آن را باید  
کارهای خارج رسانند و همان ترقیات در رسم و راهی که مل متدنه در امور  
صنعتی اختیار کرده اختیار کنند چرخهای بخار راه اندازند  
آلات و افزاری که سایرین بکار میبرند بکار برند و معمول دارند علوم  
و اطلاعاتی که آنها را است تحصیل نمایند مختصر همان راهی که زاین رفت  
و مقصود رسید روند و در بیداری احوال و تردید پس گردان نشوند  
و اینکه زاین گفتیم برای آن است که نتیجه مساعی این قوم حالا بر عالی  
و دانی محسوس گشته و گرنه تمام مالک فرنگ و اقلیم امریکا همین حال را  
دارد و بعضی اینکه مطلبی علمی در ناحیه کشف شد فوراً در سایر نواحی منتشر شود  
یا کار صنعتی نو ظهوری در نقطه پرداخته گشت در نقاط دیگر معمول میگردد  
و هر ملکی که بخواند منصف و مستملک نشود باید همین طریق را پیش نهاد کند  
امید داریم برادران ما هم این نکته را خصوصاً گفت شده باشند  
بدانند که زاین بسیار گزینش کنند

کهن جان خوش آراستن به از جانم عاریت خواستن  
و اگر اتفاقاً این شعر را بشنوند معنی را درست گفت شده بفرستد حکیم  
میفرماید کهن جانم خوش آراستن یعنی آنرا ترقی دادن نه اینکه کهن

جانم خوش ساختن و بزرگدستی قناعت کردن و معذلت عقیده  
این نیست که ملکت باید تمام مایحتاج خود را در داخله سر هم کند  
و از خارج چیزی نخرد بلکه سیدانیم هر خاکی اقتضائی دارد و اسباب  
هر صنعتی در همه جا فراهم نیست اما آدمی باین خیال نباید دست را روی  
دست گذارد و بیکار بنشیند که ما لازم و لوازم فلان صنعت در اینجا  
موجود نیست بعبارة اخری برای شدنی هم مثل شدنی بهانه تراشد  
و شانه از کار خالی کند و چون ملکت باید اغلب صنایع را دارا  
باشد و سر بیهوده و غیرت و محنت و مرداگی است که هر قدر میستوند  
بکشند و اسباب کار را فراهم آورند و بعد از آنکه از روی وضع  
و حقیقت میدانند اسباب فلان کار در وطن ایشان نیست و در ملک مجایان  
هست آن وقت تن بگرفتن از خارج در دهند و آن را موهبت آنگی  
در باره آنان پسندارند چه درگاه رحمت باید همه را نصیب و قسمتی  
نایل سازد و هیچ طایفه را از نظر عنایت نیستند از و حاصل آنکه  
حد و این خیالات را بخوبی میدانند و صحت و سقم آن را بدستی  
در یافت میکنند و پیروی ایشان لازم است مثلاً مردم المان چون  
اهل دانش اند هرگز جدا در صد و زراعت خبر بزه اصفهان بر نخواستند  
آمد چه میدانند که اولاً شاید انجام این خیال محال باشد ثانیاً اگر ممکن  
شود آنقدر مخارج و زحمت بردارد که بدان نرسد و عمل آن از  
اصفهان بلمان بیشتر بصره مقدون باشد از مثال این پسند که بگذریم  
دیگر جایز نیست در هیچ صنعتی هیچ قومی مسامحه و احوال کنند اما ما  
حالا لزومی ندارد که بکمر تبه دست تمام صنایع زمین و در آن واحد

کرد و رعیت دارد و صد و پنجاه کرد و یکا و هشتصد کرد و یکا یعنی فلفل طول دارد که عده نفوس آما زونی بفرنگ رسد و باین جهت بلفی اراضی دست نخورده و غیر  
مزدور در آن صنایع مانده و بر روی هم مردم قاره امریکا در کمال رفاه و وسعت گذران و زندگانی میکنند و بهترین محل آسایش در ربع سکون اراضی اقلیم  
جدید است اگر چه سکه آن با تنبیه بفرنگ کم باشد ( عده نفوس آما زونی نسبت بجا آن مالک تقریباً مثل عده نفوس مالی ایران است نسبت به  
زمینهای ایران )

چهل و پنج ولایتی که آما زونی را تخیل داده مثل مالک دیگر حکم یک خاک ندارد بلکه چهل و پنج دولت مستقل میباشد که بجهت حفظ و دفاع خود بهم صل و صل شده و با هم  
و متحد شده و برای روابط با خارج در تحت یک دولت یک اداره داده و پای تخت این یک دولت شهری است در سمت شرق ملک نزدیک باطل اقیانوس



نزهت و شگفت

(۱۸۱۹)

بسیار کم شمره های ایران را مثل بلاد انگلیس کنیم زیرا که این کار باین  
هم محال است هم مضر و هم مستهزیه آنکه ابتدا بصنایع مختصر که با آب و  
قیل و خراج جزئی صورت پذیر است پرداختیم و در وقت رفتن از منافع  
آن کوچک را بزرگ سازیم و مخصوصاً در شکر زیت و مساختن راه شکر  
و در بلاد اگر راه آهن نباشد اقلاً راه شومپه و عراده و روستا  
شود و شهرها و آبادیها هم وصل گردد تا صنوعات بر سرعت و سهولت  
زند و درست انتشار یابد و مسلم است که بدون این وسیله یعنی آسان کردن  
کار حمل و نقل و تطبیح و تصفیه طرق و شوارع صنعت زرتی نخواهد کرد آخر  
الامر چون قدمی برداشتیم و پائی پیش گذاشتیم پس از کارهای جزئی باعمال  
کلی دست زنیم و ناقص را کامل کنیم اما باز محض تا گید باید بگوئیم که  
اقدام مردم بصنایع و ترقی دادن آن شرایط دارد و نخست شرط  
امنیت مملکت است و بعد از آن حفظ حقوق مردم بطور یقین بدینند  
که اگر در فلان مورد خارجی میکنند و زحمت میکشند مالک و مختار حاصل  
آن میباشند و کسی بجهت بی قاعده از ایشان تعاضاً و توقیفی ندارد  
و عوارض و تحمیلات بیجا بر آنها وارد نمی آید و مقدماتی که ترقی دهنده  
اگر نتیجه داد خود بیشتر از آن مستفیع میشوند و فرضاً که شخصی بآنها خواست  
غرضی ببرد نمیتواند توسط بدیشان که غالباً بجا پولی خود را داخل دایره  
حکومت میکنند باب خرابی ایشان را هم آورده اند و میگویند آنها  
و اگر کسی خواست با ارباب صنایع که حسابی و بد معاگلی کند در  
دیوانخانه عدلیه حقائق حقوق مکن است خلاصه زور نخواهد شنید  
تقدیمی نخواهد دید و این سه راهی را دولت باید با رعایا بناید و در خواستی

که از دولت هست همین است که موانع را از پیش پای مردم بردارد و گذر  
از جبهه های دیگر لازم نیست دولت در امور صنعتی مداخله کند و اگر ترقی  
کرد تفصل است مگر تقصیری ننمود یعنی چندان ضرری ندارد چه  
امور زودتی طور است که اگر مانعی از قبیل عدم امنیت و غیره باشد  
باشد با تطبیع و ترقی میکند و ترقی آن زور و زحمت زیادی میخواهد  
شرط دیگر ترقی صنایع این است که مردم کلی عامی و نادان نباشند  
و از امور عالم فی الجمله اطلاعی آنها حاصل شده باشد و در صد و کسب  
اقتباس رسم و راه مایر مثل در حال صنعتی برآیند و برآمده باشند  
تا معایب سابق الذکر برود و بگذرد و شرط دیگر که اتم شرایط و بر تمام شرط  
مقدم میباشد این است که مردم صاحب خلاق حمیده باشند و اهل نظر  
و دقت دانند که ریشه خرابی کارهای ما از فساد اخلاق است امروز  
میان ما پنج نفر نیست که بتوانند با هم شریک شوند و کار مختصراً متوصلی را از  
پیش بریزند زیرا که هیچیک بآن دیگری طمعان ندارد و راستی که همه  
میخواهند بیکدیگر را مخون کنند و کارهای خاصه حال این دوره طوری  
نیست که یک نفر از عهده انجام دادن آن برآید و ناچار باید بشراکت صورت  
گیرد و ما می بینیم برادران ما در هر کار که شریک شدند آنکار پیش رفت  
باز اگر بکشد و بگذرد به امید نجاحی است کی نیست بگوید آخرین  
فرنگیها هم از جنس بشند ملائکه که نیستند آنجنس اینکه کاری پیش می آید  
جمع می بایم شریک میشوند و آنکار را صورت میدهند هر چند که زور و دنیا  
خرج داشته باشند و با آنکه میدانند رسم من بنده ادب و ملاحظه و  
ملایمت است این یک حرف را پاک و پوست کند بگوئیم و دندان

۱۸۱۵

اطلس و این شهر را بپس حقوق و محض اشتها را انتشار در کربل و اشیکلن با هم ادوسوم نموده و شهر و اشیکلن خوانده اند یعنی پای تخت امریکای شمالی را بیا  
آزاد کنند آن نامیده اند  
دولت انارونی چنانکه کشته میداند جمهوری میباشد و ریاست آن بایک نفر است آن کیف چهار سال بکار ریاست سپرد از دو چون این مدت منقضی شد  
عوض میشود یعنی دیگری بجای او برپسند ریاست می نشیند مگر انتخاب کنندگان رئیس جمهوری که نامورین نام ولایات میشوند بحال کفایت و کار دانی و فواید  
وجود رئیس سابق معتقد شوند و صلاح و مصلحت را در تجدید ریاست همان شخص میکنند و باز او را بر ریاست بردارند یا باقی که دارند و این کاری است که در هر سال  
اشاق و قادیان معنی که مدت ریاست جناب ستر و زونل بر سر سید اناطوری به انش کار کرده بود که انتخاب کنندگان همه باقی ماندن او را در شغل



روی حرف نیکدارم تا صاحب این اخلاق و دارای این آداب  
هستم محال است که چیزی بشویم و چون تقرب و خلاف از ما میبارد  
خوب است دیوانخانه و عدالت و مجازات و مکافات پادشاهی باشد  
که مردم از ترس قدری راست راه روند مگر کم راستی و درستی  
کله ایشان شود  
بسیاری از صنایع را من بند بچشم خود دیده ام که تقرب و نادستی  
خراب کرده و مردم مستاصل شده باز متول باجناس خارج گشته و اگر  
این مسر را بتقلب نداشتیم شاید باین زودی و این طور صنایع ما  
در مقابل مصنوعات فرنگی نابود و مضمحل نمیکردید و عجب آنکه هر روز بیایم  
نادستی را می بینیم و باز دست بر نمیداریم در صورتی که کار بجای می  
کشیده و بیم آن است که غریب باگوالات و محصولات طبیعی ما از میان  
برود و محتاج شویم که از تسلیم اروپا برای ما دست پذیریاورند و اگر خدای  
نیکسید راه مبالغه و اغراق میروم هر کدام اوضاع سی سال قبل را  
بخطردارید یک دقیقه فکر کنید ببینید از آن دست و نیز از آن  
اثری هست و عجاذه باز در حال ملت میخواهد که این پسم بی سستی همگی  
از میان بروند آن وقت آنکه در تاریخ لفظ ماست را دیده برای فهمیدن  
معنی آن سپهر گردان خواهند بود که این باکول چه مرده داشته و چگونه  
آن را ساخته و با چه پیچورده و قوز بالای قوز اینک تا دم زده میگویند  
آقا فرنگی آب است و بسته تمام تقصیر باگردن فرنگی آب بودن خواه  
بود خافل که تمام تقصیر باگردن تقرب و بدحسابی و تسبی و اینها  
و مسامحه و انحراف از راه راست و صراط ترقی است و نهنت فرنگی

نابی همگی از تقبلا

نتیجه مقاله و جان کلام آنکه از یک طرف حوائج ما زیاد شده و فکر فراهم  
آوردن اسباب آن نیستیم از طرف دیگر صنایعی که پیش داشتیم  
از بس تقرب کردیم برادر از میان رفت حال آنکه مسیبت همه را  
ترقی داده بشیم و طرق و غلال سایر ملل را در کمال کار ما اخذ کنیم پس  
کشته و توانائی را که ما باید مصرف رانیم از خارج مجریم باین حال مرد  
ما چه حرف و پیه اختیار کند ؟ این است که عده که اوفتیر و  
در ویش و سایر خوانندگان بجهت و شماره غار گران و دزدان و علان  
اعمال زشت دیگر روز بروز در مملکت زیاد میشود  
پس این حقیقات ظاهر آن است که علت حقیقی تنزل صنایع ایران را  
معلوم کرده بشیم و راه علاج را هم بدست داده و حالا باید بگوئیم  
ره چنین است مرد باش و برود و اما اگر کسی متوقع باشد که این مملکت  
یک مرتبه مملکت را منتقل کند و غلغله وطن ما را اداری ثروت و مملکت نماید  
توقع بجائی کرده این کار بسته به تمام و همت همشهریان است و در روزگار  
دخلی با نذر و بقول حضرت نظامی گفتن زمین از تو کار بستن  
اگر کار بستید و کردید رفقه و رفقه درست میشود و الا روز بروز بدتر خواهد  
خواهد شد من بنده آنچه باید عرض کنم کردم تا چه کند همت و الهی تو  
این مقاله اگر طولانی و طلال نگین شده از باب تمام بودن و تفصیل  
مطلب است و بجز تر و مجل ترازین جایز نبود و همین اشارات باید بقالات  
مبوط شرح و توضیح شود تا کی وقت آن درسد عجاذه در مقاله آید  
از و سید سیم تولید ثروت که سرمایه است گفتگو خواهیم کرد و ان شاء الله

ریاست در خواست نمودند

رئیس مجبوری تا زونی از خود دارای اختیار نیست فقط اجرا کنند و حکام و قوانین نگردد و سیب باشد و نگردد عبارت از دو مجلس است یکی مجلس مسوئین دیگر  
مجلس نماینی شیوخ که معرین بضرر مملکت باشند در واقع اختیار امور دولت بانگردد و سیب باشد یعنی وضع قوانین و ترتیب ایالت و مکرر و قیود و امور و غیره  
و عقد معاہدات همه بانگردد است و حق دارد که نزدیک لشکر دهد و از علایا سرباز گیرد  
نگردد و فرور باشد امور راجعه بکل ولایات تا زونی سیب باشد اما بر ولایتی هم نگردد جدا گانه و قوانین و رسوم و حاکم و دیوانخانه و دستیاران مخصوص دارد  
حاکم تا زونی چه از حیث زراعت چه از باب صنعت چه از جهت تجارت و تداوالت دارد اما زراعت بواسطه اینکه اراضی حاصلخیز آن چنانکه ذکر شد



( مدرسه مبارکه خیریه )

مدرسه خیریه از کارهای خیر و خرم میسر از کرم خان پسر و در کرم  
ملک مستظم الدوله طالب شاه از خیرات و مبرات است که امر و در  
حکم و اجابت دارد و انتظار نظایر و مثال آن را یکیشم و از صاحبان  
عالیه توقع داریم که در نقد و کتب این قم اینده و این صنف خیرات چه  
کنند و منت منت حسیاج شدید ملک بدانش و آگاهی باشند و خرم  
سردار کرم که همیشه در مجمع انانیت ذکرش بخیر باد چندین هزار  
تومان خرج بنای مدرسه خیریه نمود و در اراضی معتبره و فاین  
دار مسلم کرد و در جمعی نیم فیه و آسوده از کار خوراک و پوشاک  
و غیره در آن تربیت شوند و خوانا و نویا بلکه صاحب صنایع کبی گرد  
و بنوای رسند که آلی نگیند و روزهای بنیفتند اگر بعد از سردا  
بشراطی که برای امور مدرسه در داده عمل شود و از نظم و قرب  
اصلی نیفتد

چون درین اوجسرا اختلالی در امور مدرسه خیریه مشاهده میشد  
بزرگان معظم که درین کار خیر و خالت دارند جناب مستطاب محترم  
حاجی سیاح دام فضا که را که از وطن پرستان معروف و آگاهان  
مشهور ملک است اختیار کرده و درخواست نمودند که برف ثقت امور  
مدرسه بردارد و بفطرت نیکو و بی حسنی متخل زحمت این دارالمسلم  
و طحال میسیم کرد و که جف و بی در این دایره شریفه نشود و نظم و ترتیب  
و رونق بخشین عود نماید جناب مستطاب معظم در ظرف مدت سه ماه  
ماه طورری مراقبت کردند و اطراف و جوانب عمل را جمع آوری نمودند

که نمیدی بر آن مقصودست و برای کمال اطمینان سران محترم  
روز دوشنبه دهم شهر ربیع الاول از جمعی بزرگان و خیل در کار و غیره  
دعوت کرده و انجمنی در مدرسه خیریه منعقد شد و جناب مستطاب اجل  
شیر الدوله وزیر امور خارجه ادام الله اقبال الهی و جناب مستطاب  
اجل اکرم طهیر الدوله وزیر تشریفات زاد الله جلاله و چند نفر دیگر از  
امامی حضرت و شایسته علم و عقین و غیره رسیدگی کامل بتسلیات  
حسبه جدید مدرسه خیریه و تساعی جمیل جناب مستطاب حاجی سیاح  
شکر الله ساعیه فرمودند و تسهیل داد و ای نافعه لازم از نو دادند و از  
تجدید صنایع کبی و دایر داشتن آن سخن گفتند و ضمناً امتحانی هم  
از درکهای شاگردان و اعمال ایشان کردند و با اطمینان تمام مجلس  
منقضی شد و شرح امتحان را بعد خواهیم نوشت

( بار فروش )

یکی از دوستان بهو اخوان اداره تربیت جناب رفعت نصاب کفا  
محمد حسن باجر با کوبه تعلیم بار فروش دام مجده الهی میباشند معترقی است  
از آدمهای صحیح طالب ترقی و آبادی و فی الحقیقه مردی وطن پرست است  
درین مفسر در امر خاص و عمومی بدون این که قصد قایع نگاری داشته  
باشد نوشته بود ( قبول کردن نواب اشرف و الا شایه از عظام لطفه  
دام اقباله العالی حکومت بار فروش را برای اهل این ناحیه بشارت و ثمره  
بزرگی است زیرا که این حکمران با فروشان در کارهای خوب سعی مینماید دارد  
از جمله دور و زار است بنای تنطیف شهر را گذاشته اند و خاکر و به خاک افشانند  
سال است در کوچه ها و محله ها و قبرستانها جمع شده و تحمیل تمام بر میسازند

بیاد است و غله و جو بات در آن بطور و فو بر عمل می آید و بفرنگستان مل میشود چنانکه بازار زراعت از پراکندگی و انانی این قسیم ازین رگه قدری کدر میشدند  
هر چند در اوقات تنگی این مطلب برای ایشان نافه کفلی است که گذشته از غله و جو بات خاک تا زونی پسند و افریم عمل آورده کارخانه های فرنگ را  
ازین جهت دایر دارد دیگر از زراعتی ابریکان تو ن است و تعلیم جدید از جنگلهای وسیع هم منافع کراف و فایده کفلی میسر و مختصر در تا زونی بر عکس از پرا  
آدم برای کسب منفعت از خاک کم باشد چنانکه در محاکم ما هم بیک اندازد همین حالت را مشاهده می نمایند بعلاوه آدمهای ماهی سوز کار را می کشند  
و غالباً کار سازی آنها همان کار سازی جاد است جز اینکه جاد و محتاج نیست و احتیاج ما روز بروز زیاد میشود باوری صنعت و تجارت تا زونی نمی  
همین حال را دارد



رویش تجار را برای روشن کردن اسواق و معابر خواسته بودند  
و شب و بعضی کوچه ها چراغ دیوار کوبیدیم از قسرها نذر کرد  
غریب تمام شهر روشن و مساجد و عمارت کافی این مرز آباد خواهد شد  
تاکنون بخیر مبارک شاهزاده شرف شده ام امید است همین روز  
شرفیاب شوم و بتربیت کار در سپه جدیدی پردازیم این چند ساله  
چون کسی را نسیدیم بخاموشی میگذرانیم حالا وقت است که  
دست کار بزنیم از شما خواهشمندم در فکر معلماتی ابتدائی برای  
درسه باشد

( تربیت )

چه خوب بود که ما از تکلیف وقت خبردار بودیم و وظیفه روز را آدا  
میسودیم همه کارها را در عظام تسلطه را میگردیم و از تنگ  
فارغ میشدیم نه آخر هر دوره قضائی دارد و هر وقتی تکلیفی روشن  
رمضان روزه واجب است و روزه ثواب و بعد مسافت  
در میان چند ساعت یا چند گام یعنی از شام تا بام بعباده آخری نصف  
شبانه روز مستحب است تمام و السلام و الا کرام

( جنگ و سپاه )

چندی امور بخیری و کار شوق قصبی از امور مسکوت عنه بود و بخیلی  
نکور نیست و چنانکه در نزهت قبل گفتیم معلوم نبود طرفین چه میکنند این دو  
روزه بعضی خبر ما رسید و انتیم هر دو جانب تیرگی و بیگانه بود و مستعد  
قال و جدال شده اند و باز حمله و تقهض از طرف تر این است و جان  
و قلب آنها با جانین و قلب و پس مجاور شده ولی هنوز زمین نگشته که

طرح جنگ از چه تهر خواهد بود و میسند میدانیم مجدداً جنگ بزرگی  
شروع شده و زوال مسینی و بیج سردار کل عساکر و سپهیم تدارک  
دفاع دیده و بعد از محاربه طفره خواهد زد تا به سپهیم ترقیب این جنگ چه  
خواهد بود و نتیجه چه خواهد شد

درین چند روز هر چه در دوزخ و دایم فسرین شده جزئی بوده و اگر لشکر  
را این پیش برده اند و در سوارا عقب زده چند روز قبل خبر داده اند که در سوارا  
تیم می بینند و میخواهند در بعضی خود را از خارین بیرون بزنند و در سیر  
یعنی باورای دریاچه با کمال حل کنند چه خود ترقیب اند و احتمال قوی  
میدهند که چند وقت دیگر مجبور بقلعه خارین شوند در صورت قانع نگار  
روسی اظهار داشتند و گفتند از سپه ما تراجا جلو میروند و طور می گاه  
خود را پنهان میدارند که سوارای روسی نمیتوانند پی بخت برند  
تیرنگه که در سوارا تمام حال تجاری مالی خارجه که در ولاد یوستک  
بودند خویش نموندند که از آنجا خارج شوند چنانکه قبل از محصور شدن پرت  
آر توهم این کار را کردند

و قانع نگار روزی از تیلیسک میویدر سپه راه آهن بخوری را تیلیسک  
کاملاً صلاح و مرتکب کرده اند و انگنای ایشان آذوقه و ذخیره از طرف  
جنوب باجمیر سازد و اکنون مشغول ساختن راههای شمال و صلاح پلها  
خراب شده هستند و احتمال میروند که از غلتهای شروع جنگ همین سکه  
اتمام راه آهن باشد

آنانسین بالتیک روس پس هنوز در حالت مظلومیت و در سوال هندو  
و تصرفات فرانسویان بزرگان بند میروند و از حد و نفاط بیطرف خارج

خاک پر نعمت آتارونی دارای جمیع محتات طبیعی میباشد و گذشته از نعمتهای روی زمین از اندوخته های طبیعت در زیر زمین میتوان گفت گنجهای شایگان  
دارد و معادن غلظت و آهن آن بتدریج و افزون باد که اسباب گرانی خاطر انگلیس است با آنکه معادن آهن و زغال سنگ انگلیس بسوزان روز  
و زیادتی که برای سالهای دراز بر نیای کبر کفایت کند

معدن مس هم در امریکا بسیار است معادن طلای کالیفرنسی که یکی از ولایات آتارونی میباشد معروف آفاق است معادن نقره آن خاک هم بر آتارونی پوشیده و مجهول  
نیست و وجود معادن پول مارا اینقدر ترشترل داده و بالتیس پول خارجه حکم پول سیاه پیدا کرده و در زمینی داسیاه نموده  
آبوی چون مالک آتارونی معادن مس را در مسنایع فلزکاری آن ملک پیشرفت کمی نموده و کارخانه های وسیع عظیم در آن تعلیم زیاده است و صاحبان نظرات



(1822)

دولت فرانسه هم پیوسته در کار برات فتاده ای با سفین و پست و بکار گذران  
خوش نشارش میکند که شروط بی طرفی را منظور دارند اما یک مطلب را باید دانست  
و آن این است که فرانسویها میگویند رعایت بی طرفی نزد مکمل دیگر است و پیش نگین و  
سایر دول بصورت دیگر وقانون با و این فرض دارد بازغال خریدن و  
آود که در کشتی را جز نقض بی طرفی محسوب نمینمایم و این شاعره را منصرف  
نمیکنیم اگر سفین را این هم بسند را باید بهین حال را خواهد داشت وقانون  
بی طرفی خود را درین مورد نمیتوانیم هم بزنیم و هم میگویند اگر فسه اند درین موقع قوا  
بی طرفی خویش را تغییر دهد با صریح خصوص نمود و باری گفتگوی این مطلب بنور در کار است  
و عجب انکرا میرال ژرستونکی صاحب اختیار سفین و پست اظهار داشته که در آنچه  
صلاح و مصلحت کشتنای خود را در آن میدانم مجری میدارم و قیدی بشرایط بی طرفی

فرماندهی قوامی بحیره روس در شرق قفقاس میسرال روسی موسوم بر یلیف تفویض شده بود  
با علیحضرت امیرطور روس ملاقات بنماید و از مشرق قفقاس میسرال روسی چارم بنماید  
با التیام هم حکم شده که برای نیراه و دوشن عیسی اول تابستان حاضر حرکت باشند  
گویند شار و دافرد روس بدلت چین اظهار کرده که اگر زاین خیال دارد امیرطور کرده  
به توکیو بر دینکار مخالف با معاہدات است علیحضرت امیرطور لمان در مرقی نطقی  
نموده و فرموده است میسرال لمانی در محل آلمان شده باشد امید دارم چنین نباشد و آلمان  
که قمار قهر خداوند نشود چنانکه رسیده اند و بدست پشیمان افاده این قوم یعنی پشیمان  
برای روسها حکم پالمون آلتار اسپید اگر دوه و بلای آسمانی گفته اند (آلتار  
در تاریخ فرنگ حال چکنیه خان رادار و در نزد ما) واقعی عرفان و کارگاه  
علیحضرت امیرطور لمان همه غریب و عجیب است  
شخصی که سابقاً از جانب دولت روس در ژاپن بغیر جودامو را بریکاشده و چون  
مشارالیه دوست ژاپن است بعضی گمان میکنند نامور شدن او با تسلیم جدید  
دلیل است که روسها میخواستند متصالحه نمایند

( اعلان )

یک قطعه با پنج شجر در قرب دروازه میدان روبروی مستغلات  
جناب حاجی ملک التجار از دو طرف روبرو بایان کز بر حسب ساحت  
شهر از کسری شود متعلق بجناب مستطاب اجل آقای میرزا حسن خان

حال عکس و کشور مجسم و تصور کرده و گفته اند (شهرهای امریکا مثل کارخانه میباشد و کارخانه های آن مانند شهر است) مخصوصاً در اُم امریکا تجارت و جلالت تجاری در کار دارد  
و هر چه میکنند عالی و خطرات عالی بی هیچ اندیشه و باکی بدان اقدام نمینماید اروپائی شاید بظن بدشال آن جرأت و قدرت نماید و در هر حال طوار و کردار امریکائی سبب شکستگی و غلبه است  
و دل تجارت نیز در دنیای جدید برکنه نظر قدیم متغیر و برتری دارند و داد و پست و معاملات آن سر زمین فوق العاده بکشد اگر چه شکست نیز بزرگ که اکتهم بلاد آن مالک محسوب شد و اکنون در تجارت  
بالند و پاریس رقابت محسوس میکند و بی شمسی نو ده گویند مغرب نیز بزرگ از پاریس لندن میکند و بلکه محبت آن نیز بیشتر شود زیرا که او نزدیک چار و کرور میکند و او دین شماره  
با سرعت تمام در افزایش است گذشته از بزرگ شهرهای تجارتی معتبر دیگر نینس در انازونی است و از آنجمله شهر فیلا دلفی میباشد با دو کرور و جیت و شهر شیکاگو که قاطنین آن از دو کرور و نیم  
مجاور است و این شهر شیراز ده سال قبل که رئیس شهر چهار صد کم کث امریکا بود که پوزیسیون عمومی عطشی با دیگر استیفات کثافت مشهور بکنی دنیا و دیگر کرده و شهر سن لویی هم سال گذشته



نزهت سیصد و شصت و نهم

(۱۸۲۴)

پسر دهم خلد مکان میرزا عباس خان قوام الدوله است بقیت ایل  
جبره فروخته شود هر کس طالب است در محله جناب جلالت حاج میرزا  
علی خان دکت نظام الحاکم که در نزدیکی همان خیابان باغچه است تیر  
برده علی گفتگو نمایند

(ایضا اعلان)

کتاب شبی آلی که از مواد استخراج از نباتات و حیوانات گفتگو میکند  
از تألیفات جناب فاضل مطلب میرزا محمود خان دهم دهم میرزا کاظم  
خان محلاتی معلم علم شبی و غیره میباشد این اوقات بختی خوش  
و کافعی مرغوب بحد طبع محلی گشته و با علی درجه فایده میباشد  
در دوقل بفرودش میرسد یکی در سپهر چهار راه در میخانه در دواخانه  
مقرب الحاقان میرزا رضا خان دوا ساز دیگر در قرائت خانه نظری  
در خیابان بهیست قیمت دوبرال

(اعلانات و اخانه سیومولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و  
زیبائی میباشد برای نگه داری و محافظت جلد یعنی پوست بدن  
نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخفی نمودن پوست صورت است  
مثل ندارد

تمام زنان تیسکه که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند  
کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع عرقه شقاق  
و ترکیدگی دست را بسمایه همچنین کرم سیمون جهت تف و تاب  
آفتاب خوردگی بسیار مفید است

نور دوری کرم سیمون کردی است بدون میوت بسیار نرم  
و چسبان و غیر مرئی  
کرم سیمون گلی است بدون میوت زیاد و مطر و خشک و نایاب  
سفید کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار نیزی نظیر است پوست را سفید  
نرم و براق میکند

ایضا این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است  
تشنه متوتی دکت دسام با کلا و پوست گنه و کلا و گلبره و فضا  
دو فر برای آنکه طول مدت زندگانی تفسیر یا یکصد سال رسد  
قبل از بیمار و دسام یک گیل پس کوچک ازین دوا بخورند نشود  
این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطباء و دنیا تجویز کرده اند این  
دوا بحالت محلول کامل مواد حامله پوست گنه و کلا و برگ کلا و گلبره  
و فضا و دو فر در در دار و دوی هم رفته برای محکم کردن استخوانها  
و قوت دادن آنها دوا می خوبی است این مواد حامله که اثر بکری  
جمیع اطباء تصدیق کرده با کمال وقت ساخته شود و متوتی و صلیح و محرک  
استهانت و با شامی که مستلما بضعف پیری میباشد یا از جهت  
ناخوشی ضعیف المزاج شده وقت میدهند و اسپاب استحکام و بدوین  
آنها بگرد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد  
صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری آن تومان و محل فروش  
در طهران منصر است و دواخانه سیومولیون در خیابان لاله زار

کسب و سیون عمومی داشت ایند از ترقی صنایع و دواج بازار کسب تجارت حکایت میکند

مالک آمازونی قریب بیست و چهار هزار نفر و دکتی تجارتی دارد و مبلغ معاملات سالانه اش تقریباً معادل چهار هزار پانصد کرون تومان پول میشود و باقی حال امریکا  
ازین دستوان قیاس نموده و دانت کار از چهره است آمازی آن تسلیم عیایب قطعاً بقدر مادی دانش و نجابت و شخص نیستند آمازی اجملاً از کار و دانت  
و کارکنی میباشند و فرصت مجال ندارند که بازار و ضمه را و نهضت و ادیت یکدیگر بردارند و تا شانی بخوابد بار و گر دوا آن را باده پس تیرفته و فنا و بیدارند  
و بدون دخلهای غیر مشروع و دزدی و کدائی و تقلب از کل مالک دنیا ی قدیم بالدارند و دواستان متول دهم آمازونی را همه کس حتی گرما شنیده و بگیتا  
در و اینها درین موضوع و مطلب عمده معروف است  
بقیه در ذره آنجا انشا الله